



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

ضمیمه
۳۲

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۱ ژانویه ۲۰۰۸ - ۲۱ دی ۱۳۸۶

وظایف دانشجویان کمونیسست

مصوبه دفتر سیاسی
حزب اتحاد کمونیسم کارگری

دیماه ۱۳۸۶ - ژانویه ۲۰۰۸

کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان! به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!
ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و برپائی
یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی مبارزه میکنیم!



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

این شماره ضمیمه نشریه به سند
وظایف دانشجویان کمونیست اختصاص
دارد. این سند شامل تحلیلی از حرکت و
اعتراض دانشجویان، رابطه آن با
حرکتهای پایدارتر سیاسی و اجتماعی
در جامعه، تبیین استراتژی اعتراض
دانشجویی، سیاستها و تاکتیکهای
آیندوره، و ضرورت ایجاد سازمان و
تشکل توده ای مستقل از دولت
دانشجویان است.

این سند تلاش کرده است بشدت موجز و
در خطوط کلی باشد و لذا از تفسیر ترها
و تبیین در آن خودداری شده است. این
امر در صورت لزوم کار نشریه و
مباحث پیرامون این سند است.

فراخوان ما در درجه اول، همتاطور که
از عنوان سند روشن است، به
دانشجویان کمونیست است که این سند
را بدقت مطالعه کنند و دیدگاههای خود
را در این زمینه با ما در میان بگذارند.
وظیفه این طیف است که با داشتن یک
جمعبندی از دوره چند سال اخیر و
گسترش و رادیکالیزه شدن تحركات
دانشجویی، چشم انداز روشنی را در
سطوح مختلف برای مبارزات توده ای
دانشجویان ترسیم کند.

سند وظایف دانشجویان کمونیست را
در میان دانشجویان در دانشگاههای
کشور توزیع کنید. ما فعالین
دانشجویان را به مطالعه و بحث
پیرامون این سند دعوت میکنیم.*

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

وظایف دانشجویان کمونیست

۱- دانشگاه در کشورهای استبدادی محلی برای رشد کمونیسم است. سیاست سرکوب حکومت‌های سرمایه داری تنها وقفه ای در این واقعیت می‌تواند ایجاد کند. دانشگاهها در انقلاب ۵۷ مرکز قدرتمند چپ موجود جامعه بود و تنها با سرکوب خونین "انقلاب فرهنگی" سرش و شرکا توانستند این وقفه را ایجاد کنند. کشتار دانشجویان مبارز و کمونیست در متن موج اعدامها و سرکوب انقلاب ۵۷، نهایتاً نتوانست "پیوند حوزه و دانشگاه" را عملی کند. دانشگاه اسلامی نشد. دانشگاه اصلاح طلب نشد. دانشگاه پست مدرنیست نشد. در کشورهای غربی عمدتاً دانشگاه محیطی برای تربیت کادر و عنصر متناسب با ساختارهای سیاسی و اجتماعی محافظه کار است. دلیل این را امر باید در تناسب قوای طبقاتی چپ و راست در جامعه و افق کمابیش مسلط از زندگی و آینده و نرم‌های اجتماعی دید که دوران دانشگاه یک مرحله آنست. این موقعیت در کشورهای اختناق زده و در متن بیحقوقی سیاسی و اجتماعی مردم و فقر و ناامنی اقتصادی، زمینه تمایل حرکت و اعتراض دانشجویان را به کمپ چپ جامعه و اعتراض رادیکال سوق میدهد. عروج مجدد تمایلات سوسیالیستی در دانشگاه در دل اختناق و سرکوب تنها این حکم پایه ای را اثبات میکند که دانشگاه بویژه در کشورهایی مانند ایران محلی برای رشد کمونیسم و عقاید آزادیخواهانه و آوانگارد است.

۲- دانشگاه در عین حال محیطی علمی برای شناخت و کسب دستاوردهای فکری، نظری، فرهنگی، آموزشی، علمی، سیاسی و اجتماعی بشریت است. وجه مشخصه محیط آکادمیک تقابل با جهل و خرافه و عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی، اتکا به علم و تفکر و توانایی بالفعل بشر، و لاجرم اخذ قالبهای اندیشه انتقادی و آرمانگرایانه است. برآمد اعتراض رادیکال در دانشگاه در کشورهایی مانند ایران، محصول ضرب شدن انتقاد اجتماعی و آرمانگرایی در واقعیت عینی جامعه ای است؛ که بفایش را به خرافه و اختناق و مذهب و ناسیونالیسم و فقر و استثمار متکی کرده است. به این اعتبار اعتراض و تحرک دانشجویی در شرایط امروز ایران، تنها میتواند بعنوان بخشی پیشرو از یک جنبش وسیع اجتماعی و طبقاتی علیه وضع موجود پیش برود. اما نقد رادیکال کارگری نه تنها نقد به وضعیت موجود است و نه تنها نقد در میان دانشجویان است. دانشگاه، بعنوان بخشی از جامعه، حامل گرایشات اجتماعی و تعلقات طبقاتی و محصولات سیاسی آنهاست.

۳- دانشگاه و دانشجوی بخشی لاینفک از جامعه و سوخت و ساز سیاسی آن است. به این اعتبار "جنبش دانشجویی" ترمینولوژی و عنوان دقیقی نیست. تحرک سیاسی در دانشگاه همواره انعکاسی از جدالهای پدیدارتر سیاسی و طبقاتی در جامعه است. قشر دانشجویی هویت واحد طبقاتی ندارد، منفعت استراتژیک واحد

ندارد. دانشجوی طبقه نیست، اما منعکس کننده اهداف و تعارضات طبقاتی در جامعه است. دانشجوی به مثابه شهروند و عضوی از طبقات و جنبشهای سیاسی و اجتماعی، و با توجه به خصلت موقتی هویت دانشجویی، همان افق و اهداف سیاسی و تمایلاتی را دنبال میکند که در سطحی پایه ای تر جنبشهای اجتماعی مختلف در جامعه دنبال میکنند. "جنبش دانشجویی" - اگر صرفاً با منافع و مطالبات رفاهی خود ویژه دانشجوی تبیین نشود- جنبشی نیست که به اعتبار دانشجوی بودن و منافع استراتژیک و سیاسی دانشجوی بعنوان یک حرکت پایدار تبیین شود.

۴- هویت سیاسی جنبش دانشجویی نیز هویتی پایدار و منعکس کننده شیوه زندگی و موقعیت دانشجویان نیست. بلکه هویتی است دورانی، بخشا سیال و در حال تکوین. هویت جنبش دانشجویی در هر دوره تابعی از موقعیت و مشخصات سیاسی و نقد اجتماعی- طبقاتی در جامعه است. زمانی دانشگاه با مبارزه ضد شاهی و دیدگاههای ضد امپریالیستی ناسیونالیسم چپ خود را تعریف میکرد. چپی که نقدش به وضع موجود از "ریخت و پاش سرمایه داری"، "وابستگی"، "وجود صنایع مونتاژ"، فراتر نمیرفت و مدافع "بورژوازی ملی" و آرمانهای ناسیونالیستی و رفرمیستی

بود. امروز نقد چپ جامعه نقدی کارگری و ضد کاپیتالیستی است و لاجرم اعتراض دانشجویی از این داده اجتماعی و طبقاتی است. تجارب قریب سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، آمدن و رفتن انواع دیدگاههای اسلامی و ناسیونالیستی در دانشگاه، بن بست و شکست عملی خط دوم خردادی اصلاح رژیم، بن بست و شکست پست مدرنیسم و افق امید به بالا، و مهمتر؛ واقعیات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران مانند فقر و اختناق و شکاف عظیم طبقاتی، از دانشگاه سنگری برای مبارزه میسازد. سنگری که پرچم آمل و آرزوهای پیشرو جامعه را بازتاب میدهد.

۵- تحرکات روز افزون در دانشگاههای ایران در سالهای اخیر پایان یکدوره را اعلام میکند. پایان دوران تاریک سرکوب گسترده چپ و انزوای آن، پایان رکود و پراکندگی و سرخوردگی ناشی از سرکوب انقلاب، پایان قالب زدن اندیشه و نقد و حرکت دانشجوی در چهارچوب جناح های حکومتی، پایان بروبیایی افکار و تئوریهای توجیه گر وضع موجود، پایان قدر قدرتی راست افراطی، پایان دوران رخوت و ناامیدی، پایان افقهای که با خصوصیات ایندوران منطبق بودند. پایان ایندوره و عروج نسلی امیدوار و مدرن که بدهی خاصی به این تاریخ ندارد، تلاطمات اجتماعی و طبقاتی در جامعه، و عروج مجدد نقد کمونیستی و کارگری، زمینه اجتماعی تحرکات و رشد اعتراض پیشرو در دانشگاهها است. نقد کارگری و ضد کاپیتالیستی و مارکسیستی به وضعیت موجود را

وظایف دانشجویان کمونیست...

جنبش اجتماعی بدون داشتن هژمونی فکری ممکن نیست. افقهای راست در دانشگاهها شکست خورده اند. اما این به معنی پایان ابراز وجود آنها در جامعه و دانشگاه نیست. مادام که جمهوری اسلامی و ارتجاع در ایران سر کار است، مادام که منافع عینی طبقات دارا و بخشهای مختلف بورژوازی بعنوان سدی در مقابل اکثریت عظیم مردم عمل میکند، افق راست در اشکال جدید و حتی "چپ" و زیر چتر حمایتی قدرت فائقه در مقابل چپ صف آرائی میکند. حتی اگر فاکتور سرکوب را موقتا نادیده فرض کنیم، راست در کلیت آن تلاش میکند چپ جامعه و کمونیسم و نقد سوسیالیستی را به حاشیه براند. اعتراض رادیکال اجتماعی و تقویت و تثبیت سنت اعتراضی آن در جامعه، نیازمند یک جدال بدون وقفه در قلمرو افکار و آراء است. دفاع از آرمان و آلترناتیو کارگری برای آزادی جامعه، نقد نظریات و مکاتب ارتجاعی و دست راستی، نقد استراتژیها و سیاستهایی که به عناوین مختلف اختناق و حاکمیت سرمایه را تحکیم و بازسازی میکنند، و تلاش برسر تبدیل کمونیسم به افق جامعه، یک قلمرو تعطیل ناپذیر جدال در دانشگاهها است.

دانشگاه نیازمند یک خانه تکانی از میراث عقاید ارتجاعی و رنگارنگی است که؛ چه راسا در قاموس کلاسیک افکار و ایدئولوژیهای دست راستی، و چه در لباس چپ و انواع سوسیالیسم های بورژوائی و غیر کارگری، فلسفی و ایدئولوژیک، ناسیونالیستی و آوانتوریستی در دوره های مختلف ابراز وجود کرده اند. این بدون

صفحه ۴

این نقد سوسیالیستی و کمونیستی کارگری خود را در اعتراض و خواستهای دانشجویان بازتاب میدهد.

یک رکن دیگر استراتژی سوسیالیستی در دانشگاه دفاع از آزادی و برابری زن و مرد و نفی نظام آپارتاید و قوانین مترتب بر آن است. مسئله زن یک خصوصیت مهم هر تحول سیاسی در ایران است. هجوم زنان به دانشگاه جزئی از مقابله روزمره با آپارتاید اسلامی است. میزان دانشجویان زن در ایران علیرغم تمام محدودیتهای اسلامی یک شاخص ساده برای تشخیص این تلاش اجتماعی است. استراتژی سوسیالیستی باید توجه اکیدی به این امر داشته باشد. انسان محوری کمونیستی و مخالفت با نفس تبعیض در الفبا و اصول سوسیالیسم، بر توجه دقیق و ویژه به این قلمرو تاکید میکند. برای هر ذره از حقوق و آزادی زن باید جنگ و زنان در این جنگ فی الحال درگیرند. روشن است آزادی و برابری کامل زن و مرد در نفی نابرابری بنیادی این جامعه پاسخ میگیرد که تبعیض براساس جنسیت در خانواده و در جامعه تنها انعکاسی از این نابرابری بنیادی است.

۲- جدال برسر افکار و افق جامعه

دانشگاه یک سنگر جدال برسر افق جامعه است. هژمونی سیاسی در هر

نوک تیز و فشرده اعتراض سوسیالیستی و حرکت سلبی علیه قدرت فائقه و نیروهای متعدد کمپ راست بطور کلی باشد. استراتژی سوسیالیستی در دانشگاه متکی به تقویت گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبشهای اعتراضی مختلف است. ارکان اساسی این استراتژی نقد موانع این جنبشها، معرفی و تقویت خواستهای جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب، توده گیر کردن مبانی نقد سوسیالیستی در هر قلمرو معین، ایفای نقش بعنوان جنبشی آوانگارد، و تثبیت سنتی سوسیالیستی در حرکت و تشکل و اعتراض دانشجویی است.

یک رکن مهم این استراتژی نمایندگی نسل جدید و تصویرش از آینده است. دانشجویان پیشرو بخش آگاه این نسل هستند. نسل جدید جمهوری اسلامی را نمیپذیرد. ضد تبعیض و ضد مذهب بودن، برابری طلب بودن، مدرنیست و غربی بودن، ویژگی اکثریت عظیم نسل جدید است. جناح چپ و مشخصا کمونیسم کارگری نماینده حرکت و اعتراض دانشجویی و انعکاس کاراکتر سیاسی این نسل است. اگر چهارچوبهای حکومتی و ظرفیتهای مشابه در اپوزیسیون راست که تداوم وضع موجود فرض پایه ای اش است، نمیتواند افق نسل جدید جامعه ایران باشد، آنوقت چپ ترین نقد به نظام موجود، یعنی کمونیسم و سوسیالیسم و برپائی جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، میتواند و باید به افق این نسل و سنت مبارزاتی اش در دانشگاه تبدیل شود. فی الحال در دانشگاههای کشور

کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری بستر اصلی نقد سوسیالیستی وضعیت موجود است و امروز هر حرکت آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه، گوشه ای از این نقد اجتماعی کارگری را منعکس میکند. دانشگاه بعنوان یک مرکز فعال فکری و سیاسی بیش از هر مکان دیگر این دیدگاهها را بازتاب میدهد. کمونیسم کارگری منصور حکمت در شکل دادن و تکوین نسل جدید سوسیالیست نقش اساسی داشته است.

این روند اما باید در سطوح مختلف تثبیت شود؛

۱- تبیین استراتژی سیاسی

استراتژی سیاسی قطب نمای فعالیت و پیشروی هر جنبش اجتماعی است. کمونیسم کارگری در ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، الغا نظام سرمایه داری و برپائی یک حکومت کارگری مبارزه میکند. استراتژی سیاسی چپ در دانشگاه نمیتواند از استراتژی طبقه کارگر و سوسیالیسم کارگری بطور کلی جدا باشد. حکومت اسلامی را دانشجویان به تنهایی نمیتواند سرنگون کند. سرنگونی امر جامعه و طبقه کارگر و احزاب سیاسی است. حتی تامین و تحمیل آزادیهای سیاسی محصول تحرک عمومی تر و رادیکال و انتقادی در جامعه است. دانشگاه باید تریبونی برای اعلام و برجسته کردن خواستهایی باشد که اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم مطرح میکند. دانشگاه باید

وظایف دانشجویان کمونیست...

و اجتماعی است. دانشگاه‌ها در ایران به تشکیلی نیاز دارند که اولاً، وسیعترین توده دانشجویان را در خود متشکل کند. ثانیاً، توده دانشجویان را با عمل مستقیم و دخالت مستمر در امر خویش به میدان آورد. ثالثاً، رابطه‌ای دینامیک با سوخت و ساز سیاسی جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه ایجاد کند. بعنوان بخشی از جامعه از آنها تاثیر بگیرد و متقابلاً در سیر حرکت خود به انسجام و قدرت آنها بیافزاید. به این اعتبار نام تشکل اهمیت درجه اول را ندارد، هرچند نامی که مختصات این رادیکالیسم توده‌ای را بازتاب دهد، وجه معرفه بهتری برای آن است. اتحاد شوراهای دانشجویان و جنبش مجامع عمومی دانشگاهها، که خود را با دخالت مستمر و توده‌ای و آزاد و برابر دانشجو مشخص میکند و فاقد بورکراتیسم ذاتی ساختار اتحادیه‌ای و نیابتی است، و به این اعتبار از وزن و قدرت بالایی در میان توده دانشجویان برخوردار است، اشکال سازمانی مناسبتری برای تشکل دانشجویان است.

یک سوال ممکن است این باشد که آیا ایجاد تشکیلی که وسیعترین توده دانشجویان را به عضویت میپذیرد، عملاً به یک ائتلاف و وحدت گرایشهای سیاسی و طبقاتی منجر نمیشود؟ پاسخ اینست که این تشکل حزب نیست، سازمان توده‌ای دانشجویان است. در چنین سازمانهایی گرایشهای اجتماعی تعین فرآکسیون می‌یابند. گرایشهای اجتماعی وحدت نمیکند، بلکه در یک مکانیزم مبارزاتی و زنده و سیاسی برای تامین هژمونی خود تلاش میکنند. در این سازمان دربرگیرنده دانشجویان که باید به همت دانشجویان کمونیست پایه ریزی

۴- تشکل توده‌ای مستقل

امروز ایجاد سازمانهای توده‌ای و مستقل از دولت دانشجویان یک ضرورت عاجل است. "جنبش دانشجویی" در ایران، بدلیل سرکوب سیاسی و پادگانی کردن دانشگاهها، فاقد سازمان متحد کننده و دربرگیرنده دانشجویان است. سازمانی که متکی به یک سنت پایدار و فرهنگ فعالیت سیاسی رادیکال و پیشرو است. پیشروان و فعالین دانشجویان باید به این ضرورت پاسخ دهند و امر تشکل توده‌ای دانشجویان را در دانشگاههای کشور به مشغله و اولویت دانشجویان تبدیل کنند. تشکیلات و سازمان علنی را باید برپا کرد. تشکل هسته اصلی یک پیشروی پایدار و تثبیت دستاوردهای تاکتونی است. در کشورهای اروپایی به اقتباس از دمکراسی نیابتی، دانشجویان در "پارلمانهای دانشجویی" و نهادهای مشابه متشکل میشوند. وظایف این نهادها بنا به ساختار سیاسی موجود، تربیت کادر برای همین سیستم در فردای پایان دوران دانشگاه است. موضوعاتی مانند خواستهای رفاهی دانشجویی، علیرغم توجه به آنها، جایگاه اساسی در کل استراتژی و کارکرد این تشکلها ندارد. این الگوها که خود را در قالب اتحادیه‌ها و کنفدراسیونها و پارلمانهای دانشجویی متجلی میکند، در جامعه اختناق زده و سیستم سیاسی در ایران و کشورهای موسوم به "جهان سوم" فاقد موضوعیت عملی

است. اگر درپس هر موفقیت نتوان در ارتفاعی بلندتر قرار گرفت، تکرار همان موفقیت و تبدیل آن به یک مناسبت دیگر پیشروی نیست، درجا زدن است. اعتراض و تحرک دانشجویی امروز نیازمند عروج صفی از رهبران محبوب و توده‌ای و قابل اعتماد است. عروج این صفت اختیاری نیست بلکه امری اجتماعی و پراتیکی و حاصل کار سازمانیافته است. رهبری در متن یک مبارزه توده‌ای اعمال و تامین میشود. مبارزه امری علنی و اجتماعی است، به طریق اولی رهبری سیاسی مبارزات نیز همین خصوصیت را دارد. کسانی که به سوال و مشغله امروز این جنبش پاسخ میدهند، فعالینی که جهت و قطب‌نمای دانشجو را رقم میزنند، رهبرانی که مورد اعتماد و پشتیبانی دانشجویان هستند، امنیت بیشتری دارند و بعنوان رهبران جنبش دانشجویی در هر دوره برسمیت شناخته میشوند. یعنی توسط مجمع‌های دانشجویان بعنوان سخنگویان و رهبران خود برگزیده شوند. و این ما را به تشکل میرساند. مادام که وضعیت به روال امروز پیش رود، رهبران دانشجویی بناچار در سطح محافل و نشریات باقی خواهند ماند و سنتی پایدار و سبک کاری توده‌ای شکل نخواهد گرفت. در فقدان مکانیزمهایی که این ارکان؛ یعنی رهبری و سازمان و دخالت آگاهانه دانشجو را تامین کند، این خطر همواره وجود دارد که حرکت دانشجویی به طرف آوانتوریسم و یا پاسیفیسم متمایل شود.

بدست گرفتن قدرتمند سنت نقد مارکسیستی و کمونیستی کارگری غیر ممکن است. اگر قلب این جنبش با هر اعتراض و اعاده حق و گردن نگذاشتن میزند، مغز این جنبش باید متکی به کمونیسم مارکس و منصور حکمت و جدال برای تثبیت و توده‌گیر کردن آن باشد. جدال فکری برای سوسیالیسم و کمونیسم با جدال فرقه‌ای نباید یکی فرض گرفته شود. کمونیسم در دانشگاه باید با بسترهای اصلی تفکر بورژوازی در بیافتد و در این متن هم خانواده‌های آنها را نیز در حاشیه بستر رسمی نقد کند. امروز در ایران نقد سرمایه و مدافعین سرمایه داری، نقد ناسیونالیسم و شبه "لیبرال" های مذهب زده، نقد جنبش ملی اسلامی، نقد قوم پرستی و مذهب پاستوریزه و بقایای دیدگاههای منحن پست مدرنیستی که اجزا و آنتورهای استراتژی نظم نوینی اند، نقد واریاسیونهای آن در زبان "چپ" که زیر پرچم دمکراسی و حقوق بشر سینه میزنند، قلمروهای اصلی مصاف فکری اند.

۳- رهبری و سازمان

اعتراض و حرکت دانشجویی نیازمند یک رهبری هم‌افق است. در شرایط امروز فعالین مختلفی در جلو صف اعتراض قرار میگیرند، برای دخالت دانشجویان تلاش میکنند، به اجتماعات جهت میدهند، شعار و قطعنامه تهیه میکنند، در مباحث شرکت میکنند، و ابراز وجود چپ را بطور کلی در دانشگاه تامین میکنند. اینها همه پیشروی است اما بشدت ناکافی

وظایف دانشجویان کمونیست...

راندنشان از دانشگاه. مقابله با جدا سازی و قوانین آپارتاید جنسی، زیر سوال بردن مرتب نرمها و قوانین، مقابله با فرهنگ مردسالار در میان دانشجویان. مقابله با سیاست ضد علمی در فضای آکادمیک و شکستن تابوها. مقابله با مذهبی کردن محیط آموزشی و طرح خواست جدائی دین از دولت و از آموزش و پرورش. راه انداختن جنبش آزادی بیان و تبدیل آن به یک ویژگی بدیهی در دانشگاه. هویت دادن به این فعالیتها با طرح شعارهایی مانند؛ دانشگاه پادگان نیست! دانشگاه حوزه و مسجد نیست! دانشگاه زندان زنان نیست!

صفحه ۵

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

siavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رمضانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئول خارج کشور (محمود احمدی)

mahmadi@yahoo.com

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

x_magid@yahoo.com

دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank - N. America

Routing Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

متوجه نیست که این مجرائی است که دانشجو قدرت و تشکل جمعی خود را باز میشناسد، ماهیت سازشکارانه گرایشات راست را میشناسد، و حقانیت رهبری سوسیالیستها را اثبات میکند. حضور در قلمرو دفاع از مطالبات رفاهی دانشجویان، بالا بردن توقع دانشجو از محیط زندگی و درس، داشتن امکانات لازم برای زندگی و فعالیت و تحقیق، مخالفت با محدودیتهای تحمیل شده و تلاش برای تغییر آن، خواست محیط ایمن تر و مرفه، و تلاش برای تحقق آنها یک قلمرو مهم متحد کردن و متحد نگهداشتن دانشجویان است.

۶- تلاش برای الغای قوانین اسلامی در دانشگاهها

یک رکن فعالیت دانشجویان مقابله با فضای موجود نظامی و مذهبی و آپارتاید رسمی و قانونی در دانشگاهها است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی فقط در دانشگاه قانون عوض نمیکند. اما میتوان بقدرت دانشجو این قوانین را دوفاکتو و تدریجا الغا کرد. یعنی میتوان دانشگاه را به آزادترین محیط سیاسی ایران تبدیل کرد. برای این کار باید در کنار برپائی جلسات و اجتماعاتی که دانشجو را به این موضع براند که نباید پذیرفت، مسائل متنوعی را هدف قرار داد؛ از جمله اعتراض به نظامی و امنیتی کردن دانشگاهها و خواست انحلال این نهادها و بیرون

مقابل اختناق بدست بگیرد، و تریبونهای دانشجویی را در مجامع عمومی دانشجویان معنی مادی و واقعی بدهد.

۵- مطالبات رفاهی دانشجویان

یک موتور محرکه اعتراض دانشجویان در ابعاد وسیع، معضلات مشترک رفاهی آنهاست. امروز هزینه تحصیل و آموزش یکی از اقلام عمده زندگی است. برای دانشجویان کمونیست و سوسیالیست این نه امری ایزاری، نه امری "صنفی"، بلکه موضوعی مهم و قائم بذات در راستای دفاع از حقوق و حرمت و آسایش دانشجو بعنوان یک انسان است. گرایش راست با "صنفی" نامیدن این خواستههای دانشجویان غیر سیاسی گری را دامن میزند و عملاً سیاستی ارتجاعی را تبلیغ میکند. برخی از گرایشات چپ نیز با تحقیر تلاش دانشجو برای تحقق این مطالبات همین دیدگاه را در شکل دیگری دنبال میکنند. برای سوسیالیستها دفاع از معیشت و رفاه و محیط ایمن جزئی لاینفک از دفاع از آزادی و برابری انسان بطور کلی است. زمانی گران شدن بلیط اتوبوس محرک یک جرقه سیاسی و اعتراض وسیع میشد. یا اعتراض کارگر برای ندادن دستمزد بلافاصله و بنا به ماهیت دولت و مقابله آن با اعتراض کارگر به امری سیاسی تبدیل میشود. لذا تبیین ها و سیاستهایی که از سازماندهی دانشجویان برسر مطالبات رفاهی دانشجو و آموزش رایگان شانه خالی میکند، نگرشی غیر سوسیالیستی است. این گرایش

شود، چپ ها و سوسیالیستها و آزادیخواهان وزنه بمراتب قویتری خواهند داشت. وضعیت امروز دانشگاهها همین را گواهی میدهد. در فقدان چنین راه حلی، تنها میتوان تشکلهائی مانند "دانشجویان مبارز" یا "اتحادیه دانشجویان چپ" و یا جمعهای ویژه سوسیالیستها و کمونیستها را تشکیل داد. این نوع تشکلهای ضروری اند اما با تشکل وسیع و توده ای دانشجویان یکی نیستند. یک شورای کارگری یا مجمع عمومی کارگران یک مرکز صنعتی نمیتواند صرفاً تشکل دربرگیرنده کارگران سوسیالیست باشد، بلکه ظرف تشکل کارگران است. اما ایجاد تشکلی که اهداف آزادیخواهانه ای دارد و توده دانشجو را در مکانیزم طبیعی خود وارد میکند، این امکان را به گرایش سوسیالیستی میدهد تا بجای فعالیت و تلاش محفلی و میکرو به فعالیت و تبلیغات وسیع و ماکرو رویبورد. چپ را اجتماعی تر کند و هژمونی سوسیالیستی را در دانشگاهها تثبیت کند. رهبران چپ در چنین مکانیزمی ایمن ترند. فعالیت موثرتری دارند. سنت سیاسی و سازمانی قویتری را پایه میگذارند. چنین تشکلی همزمان که مدافع پرنسپیهای آزاد و انسانی است، راست را در ابعاد وسیع میتوانند ایزوله کنند. تنها مرز یک تشکل مستقل دانشجویی، نپذیرفتن عناصر وابسته به حکومت و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و کسانی است که در سرکوب دانشجویان نقش داشته اند. چنین تشکلی میتواند نشریه معتبری را منتشر کند، پرچم دفاع از آزادی بیان را در

وظایف دانشجویان کمونست ...

و غیره.

۷- تاکتیکیهای روز

سمتگیری اجتماعی و طبقاتی دانشگاه ها، دفاع از چپ و سوسیالیسم در جامعه، جدال بر سر افق و راه حل کارگری در جدال قدرت، تامین امر رهبری و سازمان توده دانشجویان، و حضور فعال در مبارزه برای مطالبات رفاهی دانشجویان، ارکان مهم فعالیت سیاسی در دانشگاهها برای تثبیت و پیشروی چپ است. اما اگر همه این سطوح بتواند در اشکال مختلفی متحقق شوند، هنوز یک محیط سیاسی و فعال نیازمند تلاش روزمره برای معنی کردن این افق و استراتژی و زنده نگه داشتن دانشگاه بعنوان یک سنگر مبارزه سوسیالیستی است. این مسئله ما را به مقوله تاکتیک های روز میرساند. تاکتیکیهایی که به سوالات روز و اساسی در جامعه مربوط است و توجه جامعه را در ابعاد وسیع تری بخود جلب میکند. باید تصریح کرد که تاکتیک برای جریان سوسیالیستی تناقضی با اهداف و آرمان اجتماعی ندارد. ما نمیتوانیم از دریچه تاکتیک میشر سیاستهای ارتجاعی شویم. امری که سنتا در میان چپ اردوگاهی سابق مرسوم بوده است و تاکتیک برایشان به "پلتیک" تبدیل شده است. برای کارگر و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی تاکتیک وسیله ای در خدمت رسیدن به استراتژی است و ماهیتا در تناقض با آن قرار ندارد.

الف) سازماندهی جنبش همبستگی:

معنی عملی دفاع از طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه نباید به اعلام موضع سیاسی صرف تقلیل یابد. قلب اعتراض در دانشگاه باید همراه با تپش اعتراض طبقه و حرکتهای آزادیخواهانه بزند. اقدامات مشخصی باید در این زمینه در دستور روز قرار گیرد؛ از جمله سازمان دادن جنبش همبستگی با اعتراضات طبقه کارگر، ایجاد کانونها و گروههای کاری برای حمایت از کارگران، اطلاع رسانی در مورد اعتصاب و مبارزه کارگری، اعلام همبستگی نمایندگان دانشجویان در میان اعتصابیون، بحث پیرامون جایگاه اعتراضات و اعتصابات کارگری در جلسات و مجامع دانشگاهی و ... از این جمله اند. همین سیاست در مورد دیگر

جنبشهای اعتراضی و برابری طلب میتواند در اشکال مناسب پیش برده شود.

ب) اعلام موضع در قبال مسائل سیاسی:

یک جنبش سرزنده و فعال و یک رهبری خوش فکر و تیز، مرتبا در مورد مسائلی که در جامعه ذهنیت توده مردم را شکل میدهد و واکنش نشان میدهد. یک مثال در این زمینه واکنش در قبال تلاشهای رژیم در دانشگاهها برای کشتاندن دانشجویان پشت سیاستها و پروژه های خود از قبیل "انتخابات"، "انرژی هسته ای حق ماست"، تبلیغات ناسیونالیستی، چماقداری و ایجاد مزاحمت برای مردم، حمله به زنان، و غیره است. دانشگاه و اعتراض دانشجویی باید مرتبا مواضع روشنی در قبال این مسائل بگیرد تا قادر شود هژمونی سوسیالیستی طبقه کارگر را در قلمروهای مختلف گسترش دهد. اتخاذ چنین سیاستهایی دانشگاه های کشور را به یک کانون سیاسی فعال و مرکزی پر جنب و جوش و آگاه تبدیل میکند و توده دانشجویان را به لایه ای موثر از فعالین و کادرهای اردوی آزادی و برابری ارتقا میدهد.

جمع بندی؛

دانشگاهها در ایران بویژه در شرایط سیاسی امروز یک نقش تعیین کننده میتوانند ایفا کنند. این امر بدو وظایف دانشجویان کمونیست است. موقعیت امروز چپ در دانشگاهها تنها در صورتی تثبیت میشود که کمونیستها بتوانند گامهای اساسی بردارند و ماحصل این اعتراضات را بچینند و به یک سنت قوی مبارزاتی تبدیل کنند. تثبیت هژمونی چپ در دانشگاه و مقابله با سیاست سرکوب در گرو یک

پیشروی سراسری در قلمروهای مختلف است. نه جدال فرقه ای، نه فعالیت پراکنده و آکسیونی، نه بی سازمانی دانشجویان، نه فقدان یک رهبری قدرتمند، و نه بی برنامهگی قادر نیست این پیشروی سراسری را پاسخ دهد. حتی خطر این هست که با سرکوب و اعمال فشار این دستاوردها عقب رانده شود و مجددا دانشگاه مجموعا دست راست ها بیافند. ایندوره از فعالیت و مبارزه پرشور دانشجویان باید جمع بندی شود و حرکت برای ایجاد سازمان سراسری دانشجویان در دانشگاههای بزرگ و مراکز اصلی عملا به دوره و تتمه محصولات "انقلاب فرهنگی" مهر پایان بگذارد. سوسیالیسم ضد کاپیتالیستی و قرن بیست و یکمی باید با مشخصات دوره خود به میدان بیاید و از روشهای غیر موثر، محدود، فرقه ای، آکسیونی صرف، و ماجراجویانه اجتناب کند. اعتراض و حرکت دانشجویان باید با قطبنمای سیاسی و استراتژی طبقاتی کارگر برای آزادی جامعه هماهنگ شود. دانشگاهها در ایران میتوانند و باید به قلب تپنده آزادی و برابری و یک مرکز فعال سیاسی و یک الگوی آوانگارد در منطقه و جهان تبدیل شوند. لازمه این داشتن بینش و سبک کاری اجتماعی و نقدی عمیق به وضع موجود است. ما در این راه بدو دانشجویان کمونیست را مورد خطاب قرار میدهیم و برای تامین این افق و روش کار نهایت تلاش را میکنیم. فراخوان ما بدو به کمونیستها و سوسیالیستها بعنوان پیشروان این حرکت است. تنها این لایه از دانشجویان میتوانند این سنت مبارزاتی و سازمانی را پایه گذاری کنند. سنتی که مرتبا بازتولید شود و با رفتن عده ای از دانشجویان از دانشگاه، این قلب تپنده همچنان تپنده بماند.

ما دانشجویان کمونیست و سوسیالیست را به بحث و تعمق در باره جوانب این پلاتفرم که در خطوط کلی تدوین شده است فرامیخوانیم!

مصوب دفتر سیاسی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

دیماه ۱۳۸۶ - ژانویه ۲۰۰۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!